روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

یکشنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۳ • ۲۷ صفر ۱۴۴۶ • ۱ سپتامبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۱۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۴ • اذان مغرب ۱۸:۵۰ • اذان صبح فردا ۴:۱۰ • طلوع آفتاب ۵:۳۷

انبار و فروشگاه لاستیک خودرو سحرگاه شنبه ۱۰ شهریور در حوالی میدان شهدای شهرکرد طعمه حریق شد. آتش با تلاش ماموران آتش نشانی بدون تلفات و خسارت جانی مهار شد. عکس: احمدریاحی دهکردی، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

نقش دکتر ناصر کاتوزیان در تحولات حقوق اساسی ایران

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

صبح سه‌شنبه یازدهم شهریورماه ۱۳۹۳ پیامک کوتاهی در تلفن همراه دریافت کردم: «دکتر ناصر کاتوزیان درگذشت». از آن روز ۱۰ سال می‌گذرد و همچنان میراث علمی ایشان بزرگ‌ترین منبع برای پژوهشگران حقوق به شمار می‌رود. اگرچه تحصیلات استاد در زمینه حقوق خصوصی است، اما با تسلطی کم‌نظیر بر نظام حقوقی ایران، در دیگر گرایش‌ها نیز صاحب‌نظر بودند. در هفت بخش نگاهی کوتاه داشته‌ام بر نقش دکتر کاتوزیان در تحولات علمی و عملی حقوق اساسی ایران معاصر.

۱. تهیه نخستین پیش‌نویس قانون اساسی: حسن حبیبی به نمایندگی از بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، مأمور می‌شود با کمک جمعی از حقوق‌دانان پیش‌نویسی برای دوران پس از پیروزی انقلاب تهیه کند. حبیبی به همراه ناصر کاتوزیان، عبدالکریم لاهیجی، محمدجعفر جعفری لنگرودی، ابوالفتح بنی‌صدر و ناصر میناچی، پیش‌نویسی را تنظیم می‌کنند. رهبر انقلاب پس از مطالعه پیش‌نویس، بیان می‌دارند: «چیز مخالفی در پیش‌نویس ندیدم. فقط آن را به علمای قم نشان دهید و اگر حرفی نبود آن را به رفراندوم بگذارید». اما پیش‌نویس سرنوشت دیگری می‌یابد. متن و نقد تحلیلی بر آن در جلد نخست کتاب مجموعه مقالات استاد با نام «گامی به سوی عدالت» آمده است.

۲. نامزدی در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی: در جریان برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، جامعه روحانیت مبارز از طریق آیت‌الله سیدعبدالکریم موسوی‌اردبیلی طی تماسی با ناصر کاتوزیان او را نامزد این تشکل برای انتخابات اعلام می‌کنند. استاد در آغاز نمی‌پذیرد، اما با اصرار طرف مقابل برای ثبت‌نام قانع می‌شود. افسوس نام فرد دیگری جایگزین او در فهرست جامعه روحانیت می‌شود و با وجود حمایت‌های دیگر تشکل‌های سیاسی چون «جنبش»، «جاما» و «جنبش مسلمانان مبارز»، نویسنده اصلی متن پیش‌نویس قانون اساسی از راهیابی به مجلس بازماند و در تاریخ ۲۸ مردادماه ۱۳۵۸، مجلس خبرگان بدون حضور کاتوزیان افتتاح شد.

۳. نگارش کتاب «مبانی حقوق عمومی»: بی‌تردید تجربه نوشتن در زمینه مقدمه، کلیات و فلسفه حقوق و همچنین مشارکت مؤثر در تدوین اولین پیش‌نویس قانون اساسی در تألیف این اثر ارزشمند کمک کرده است. مؤلف در مقدمه، خود را مانند بازیکنی می‌داند که در زمین همیشگی خود توپ نمی‌زند. می‌توان این کتاب را اولین کتاب در زمینه «مبانی حقوق عمومی» به زبان فارسی دانست. چاپ اول مربوط به سال ۱۳۷۷ است و اولین کتاب تألیفی در زمینه مبانی حقوق عمومی به زبان فارسی است آن هم توسط نویسنده‌ای که تخصص او حقوق خصوصی بوده و بیشتر عمر خود را صرف تحصیل، تدریس و نگارش کتاب‌های مرجع حقوق مدنی کرده؛ اثری بومی، شایسته و درخورتأمل.

۴. تألیف دوره «فلسفه حقوق»: اولین، مفصل‌ترین و مهم‌ترین اثر به زبان فارسی در زمینه فلسفه حقوق، دوره سه‌جلدی «فلسفه حقوق» استاد کاتوزیان است. نخستین جلد (تعریف و ماهیت حقوق) در سال ۱۳۵۳ منتشر و مورد استقبال جامعه حقوقی قرار گرفت و برگزیده جایزه کتاب سال دانشگاه تهران شد. چند سال بعد جلد دوم (منابع حقوق)، و سرانجام جلد سوم (منطق حقوقی) در سال ۱۳۷۷ منتشر می‌شود. نویسنده زندگی علمی خود را به دو بخش پیش و پس از تحقیق در فلسفه حقوق و به تعبیر خود «آغاز حیرت و تحول»، تقسیم می‌کند. در جلد دوم و در مبحث «نظریه عمومی قوانین»، به مسائل حقوق اساسی همچون طبقه‌بندی قوانین و امضا و انتشار قانون پرداخته شده است.

۵. کنشگری اجتماعی: گرچه دانشگاهیان رشته حقوق با روحیه محافظه‌کاری و نه‌چندان جسورانه، بیشتر عمر خود را صرف تدریس، تألیف و راهنمایی دانشجویان می‌کنند، اما کاتوزیان در دوران گذشته و نیز بعد از انقلاب اسلامی، به عنوان مسئولیت اجتماعی همواره در بزنگاه‌های تاریخی حضور داشت. داستان پرهیجان شرکت در راهپیمایی عظیم تاسوعا و عاشورا در اعتراض به عملکرد نظام پادشاهی در کتاب زندگی‌نامه او با عنوان «از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود؟» ذکر شده است. همچنین در دوران کنونی، امضای نامه اعتراضی حقوق‌دانان به حکم اعدام صادره برای دکتر سیدهاشم آقاجری به جرم سخنرانی در سال ۱۳۸۱ و همراهی با دیگر دانشگاهیان در مخالفت با خشونت‌ورزی در رخدادهای پس از انتخابات سال ۱۳۸۸، در خاطر ما زنده است.

۶. دفاع از استقلال کانون وکلای دادگستری: استاد وکالت نمی‌کرد، اما دارای پروانه وکالت از کانون وکلای دادگستری مرکز بود و هر زمان در جشن استقلال به سخنرانی دعوت می‌شد، از ایراد سخن در حمایت از کانون و استقلال آن دریغ نمی‌کرد. باز در کتاب خاطرات داستان نامزدی برای عضویت در هیئت‌مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز از سوی دوستان و حضور در تمام فهرست‌های انتخاباتی که منتهی به تهیه شتاب‌زده طرح «نحوه اصلاح کانون‌های وکلای جمهوری اسلامی ایران» از سوی جمعی از نمایندگان با تصویب، تأیید و اجرا در یک روز (۱ مهرماه ۱۳۷۰) شد را بیان کرده‌اند.

۷. یادداشت‌نویسی مطبوعاتی و گفت‌وگو با رسانه‌ها: رسالت اصلی حقوق‌دان مانند هر اهل علم دیگری، آگاهی‌بخشی به عموم مردم است. کاتوزیان شمار زیادی یادداشت مطبوعاتی و مصاحبه رسانه‌ای در چند دهه اخیر دارد که به‌ویژه برای وکلای دادگستری که خواه‌ناخواه اهل قلم هستند و مردم از آنان انتظار موضع‌گیری در دفاع از حقوقشان را دارند، آموزنده است. خوشبختانه مجموعه یادداشت‌ها و مصاحبه‌ها در کتاب‌های «گامی به سوی عدالت» (سه جلد) و «گفت‌وگوهای مطبوعاتی»، منتشر شده است.

مطالبه‌خوانی

نامه‌ای برای وزیر بهداشت

گاهی فقط کمی نور نیاز داریم

ریحانه‌سادات سعیدی

استاد عزیزم سلام؛ این نامه را خطاب به شما می‌نویسم و دوست دارم بدانید کفش تاختن به شما را به پا نکرده‌ام و شما را خوب می‌شناسم و با دلسوزی‌هایتان از نزدیک آشنا هستم و می‌دانم که گوش شنوایی دارید.

روزی که شما در مجلس منتظر رأی اعتماد بودید، من و بسیاری از دوستانم که رأی هم نداده بودیم، در دل دعا می‌کردیم که «رسایی»ها و «ثابتی»ها جلوی معدود اتفاقات خوب را نگیرند.

ما بچه‌های دانشگاه تهران تلاشتان را برای پیشرفت به چشم دیده‌ایم، از مرکز تحقیقات تروما و عروق بیمارستان سینا بگیر تا راه‌انداختن فلوشیپ جراحی عروق که اگر شما نبودید قطعا ممکن نمی‌شد. با توجه به این موارد و هزاران دلیل دیگر، می‌توانم مطمئن باشم شما نیز با ما آشنایی دارید؛ خوب می‌دانید که نسل جوان کادر درمان، دنیایی متفاوت و به دنبال آن انتظارات، خواسته‌ها و اهداف متفاوتی دارد.

پرستار و پزشک امروز خود را با اهداف جهادی دوران جنگ و دهه پس از آن تطبیق نمی‌دهد. راه دوری نرویم؛ همین دستیار رشته جراحی، مثل زمان شما در دورانی زندگی نمی‌کند که لازم باشد برای نجات جان هموطنش راهی میدان جنگ شود. شما خوب می‌دانید که ما بیشتر از روحیه جهادی در حل مسائل، نیاز به نگرش علمی داریم. البته که این به منظور نفی محسنات و لزوم وجود این روحیه نیست، منظور کاربرد آن و مدیریت آن است. طی این چند سال به شدت می‌توان تخریب بدنه درمانی را دید، نه در یک وجه؛ بلکه در زمینه آموزش، پیشگیری، سلامت عمومی و پژوهش و نوآوری!

بسیاری از بسترهای تعاملی و تحقیقاتی نقش‌آفرینی در آموزش که امکان حضور دانشجو و تأثیرگذاری او را فراهم می‌کرد (با دلایلی نظیر عدم اختصاص بودجه، محیط نامناسب، اولویت داشتن ارزش‌های غیرعلمی) از بین رفته‌اند.

چرا راه دور برویم، شما آن موقع رئیس نظام پزشکی بودید که ساختمان مرکز پژوهش‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران را گرفتند تا به ساختمان‌های طب اسلامی اضافه شود. البته که در آن سال‌ها هم، همین یک ساختمان مانده بود، اما ساختمان منشأ خیر بسیار بود، تعامل دانشجوهای رشته‌های مختلف از پزشکی، پرستاری، دندان و بیهوشی تا رشته‌های پایه و نظری مثل ژنتیک. برگزاری کارگاه‌ها و کارگروه‌های مشترک، ارتباط با اساتید و بدنه وزارت بهداشت از معاونت علوم تحقیقات تا آموزش پزشکی، بررسی مشکلات و دغدغه پژوهش داشتن و پیشرفت و... .

همه آن گروه‌ها و جمع‌شدن‌هایی که نشانه «ماندن و ساختن» بودند، لحظه‌هایی که الان به ندرت می‌توان مشابهش را پیدا کرد.

این روزها همه دغدغه «رفتن» دارند! الان حتی کار پژوهشی هم برای «رفتن» انجام می‌شود! استاد برای «رفتن» مقاله را آغاز می‌کند و دانشجو با جیب پدرش برای «رفتن» آن را انجام می‌دهد.

باور دارم که همه اینها را از من بهتر می‌دانید، باور دارم که خبر «خودکشی» بچه‌ها را شما هم شنیده‌اید، می‌دانم تعدادی‌شان را به چشم دیده‌اید، می‌دانم که از «تحصن»ها و اعتراضات و اعتصاب‌ها خبر دارید.

اما می‌دانید استاد؛ من به زمان فکر می‌کنم، در این روزها که ما زندگی می‌کنیم، لازم نیست به گذشته خیلی دور برگردیم تا بدانیم مدیریت جهادی و تفکر سیاسی چه آهسته استخوان‌های یک سیستم را شکسته است.

مدیریت که درست باشد، منابع درست و راه درست را به کار بگیرد؛ (مانند همین کارگروه‌هایی که برای تعیین وزرا ساخته شد فارغ از نتیجه) همان جاده مخروبه، تاریک و سنگلاخ را هم روشن می‌کند تا مسیر و موانع دیده شوند. خیلی وقت‌ها فقط کمی نور نیاز هست تا دومینوی تغییرات خودش اتفاق بیفتد.

مدیریت که درست باشد، هرکس بابت کاری که باید بکند نان می‌گیرد! کسی بابت خوش‌رقصی و اخبار دست اولش، بابت اعتقادش، سمت و مقام و منصب نمی‌گیرد و کسی بابت تفاوت عقیده و بیان نظرات، زندگی، کار متعهدانه و حرفه‌ای‌اش را از دست نمی‌دهد. مدیریت که درست تصمیم بگیرد می‌تواند شرایط را از حالت جنگ و گریز مداوم به ثبات و تعادل در بیاورد، بعد از آن خود به خود راه پیشرفت مهیا می‌شود.

می‌دانم شما یک ساختمان مخروبه با کلی بدهی دریافت کرده‌اید، اما درها را باز کنید و برای حل مشکلات فارغ از دیدگاه‌های سیاسی و تبعیض‌ها کارگروه تشکیل دهید، همان شعار دکتر پزشکیان؛ همان وفاق ملی!

شما دسترسی به بی‌شمار نیروی متعهد دارید به شرطی که فرصتی دهید. البته فراموش نکنید که با جامعه بحران‌زده طرفید و باید بسیار تلاش کنید تا از این گریز مداوم، از خشم پنهان درونی‌شده، از فرار مداوم، از فکر «رفتن» رهایشان کنید.

استاد عزیزم!

امیدوارم درهای وزارت بهداشت را باز کنید و اجازه دهید باز هم بتوانیم در تعیین سرنوشتمان دخیل باشیم، حتی اگر نشد حداقل درهای فیزیکی را باز کنید و بگذارید وارد ساختمانی بشویم که از یک محیط علمی-اجرائی به یک ساختمان امنیتی تبدیل شده، ما خودمان راه ارتباط‌گرفتن را پیدا می‌کنیم.

امیدوارم با ورود شما روزنه‌هایی از نور تغییر، همان‌طور که آرزویش را داریم اتفاق بیفتد و با خودمان آرزوهایمان را برای این خانه، برای ایران، به گور نبریم.

۳ میلیارد پاداش

سایت اقتصاد ۱۲۰ با بررسی گزارش جلسات مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت‌های بیمه‌ای، رقم پاداش هیئت‌مدیره شرکت‌های بیمه را استخراج کرده است. برخی از شرکت‌های بیمه‌ای برای عملکرد سال ۱۴۰۰ اعضای هیئت‌مدیره خود رقم‌های دو تا سه‌میلیاردی در نظر گرفته‌اند.

۲۰ درصد

دیوان محاسبات اعلام کرد ۹ دستگاه اجرائی در سال ۱۴۰۲، حقوق کارکنان خود را بیش از ۲۰ درصد ضریب سالانه افزایش دادند. همچنین شهرداری تهران و صندوق بازنشستگی صنعت نفت نیز مستنداتی در مورد ضریب افزایش حقوق کارکنان خود ارائه نکرده‌اند.

۳۲ درصد

ایسنا: در سال ۱۴۰۲ تعداد موالید کشور یک میلیون و ۵۷ هزار و ۹۵۸ مورد بوده و این رقم در مقایسه با سال ۱۳۹۴ که تعداد موالید معادل یک میلیون و ۵۷۰ هزار و ۲۱۹ مورد بوده است، کاهشی بیش از ۳۲ درصدی (کاهش بیش از ۵۱۰ هزار تولد) را نشان می‌دهد.

یادداشت

در حاشیه مصاحبه آقای رئیس‌جمهور

حسین نوری‌نیا

اینکه ایران دارای تاریخ چندهزارساله است و این قدمت موجب آمیختگی و درهم‌تنیدگی بسیار بالای ساکنان آن با یکدیگر در طول قرون متمادی شده است و این ساکنان در تعامل و ارتباطات غنی پایدار با یکدیگر تاریخ و فرهنگ آن را در ارتباط یا تقابل با نیروهای بیرونی شکل داده‌اند، امری بدیع و نکته‌ای غامض نیست. اگر به شرّ برخی از ایدئولوژی‌های معاصر دچار نشویم، پذیرفتن اینکه ایرانیان با تمام خرده‌فرهنگ‌های متفاوت و افت‌وخیزهای زیاد در طول تاریخ، به‌مثابه یک ملت و از هر قوم و تیره و طایفه و گروه شهری و روستایی و کوچ‌نشین خود را ایرانی و ملت ایران می‌دانستند، نیازی به اقامه دلیل و بحث‌های تاریخی و اجتماعی و سیاسی نداشته است. این هویت عام مانند هوایی لطیف و بهاری جان و روح آنان را در هر نقطه از خاک این دیار در بر گرفته و هستی اجتماعی و فرهنگی آنان را مملو از عناصری کرده که تفکیک آنان را از یکدیگر ناممکن کرده است. در دوره معاصر و در مواجهه با تمدن غرب و ورود ایدئولوژی‌هایی که ماهیت آن بر دیگری و غیریت‌سازی است، بخشی از آن تعاملات نمادین و عمیق تاریخی با مداخله احزاب و گروه‌های مبلّغ آن ایدئولوژی‌ها دچار آسیب شد؛ تا جایی که به قول عبدالحسین نوایی در خاطره‌ای که منوچهر آشتیانی در کلاس درس برای‌مان تعریف کرد، دیگری‌سازی سمت‌وسوی افراطی به خود گرفت و خشونت‌های خونین و گلوله جای فضای گفت‌وگو و آن تعاملات نمادین را گرفت. نزاع‌های خونین و ترورهای دوران مشروطه، تا مبارزه مسلحانه با پهلوی و تا نزاع‌های گروه‌های مارکسیستی ایرانی در کردستان و آذربایجان و گلستان و خوزستان و دیگری‌سازی‌های قوم‌گرایانه همه در یک جهت و با نادیده‌گرفتن سنت تاریخی ایرانیان، هم انسجام ملی و هم توسعه ایران را هدف قرار داده‌اند. ازاین‌رو گام‌نهادن در فضای سیاسی و اجتماعی ایران از یک سو با توجه به غرق‌شدن نیروهای سیاسی در اندیشه‌های چپ به‌ویژه در چندین دهه و تقدیس آن و بهره‌گیری از واژگان و مفاهیم مارکسیست‌ساخته و از سوی دیگر بی‌توجهی به مناسبات تاریخی ساکنان نقاط مختلف ایران با یکدیگر، راه‌رفتن در میدان مین است. ازاین‌رو ضروری است که سیاست‌مدار ایرانی، فضای این مین‌گذاری را به‌خوبی بشناسد تا گام‌های او موجب ایجاد سوءاستفاده در مناسبات اجتماعی و تاریخی زخم‌خورده ایرانیان در قرن اخیر نشود. برای همین ایران امروز برای رسیدن به وفاق ملی و گام‌نهادن در مسیر توسعه به سیاست‌مداران و مدیرانی نیاز دارد که درکی تاریخی از این مناسبات داشته باشند و بتوانند منافع ملی ایران را چه در مناسبات داخلی و چه در مناسبات خارجی در پرتو این درک تاریخی، بفهمند و به زبان آورند. وقتی چنین اشرافی وجود داشته باشد، هنگامی که سیاست‌مدار مسئول در مصاحبه با ترمینولوژی قوم‌گرایی مواجه می‌شود، شاخک‌هایش تیز می‌شود و در برابر آن به شیوه‌های مختلف موضع می‌گیرد، نه اینکه برای حفظ موقعیت مصاحبه و ناراحت‌نکردن مصاحبه‌کننده، در مقابل آن ترمینولوژی سکوت کند که شائبه همراهی همدلانه از سوی سیاست‌مدار مسئول به دست آید. اگر آن نگاه ملی به مناسبات اجتماعی و تاریخی ایرانیان وجود داشته باشد، آن‌گاه سیاست‌مدار مسئول در پاسخ به درخواست اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی، با صراحت و قدرت به اجرای دقیق این اصل در چهار دهه گذشته اشاره می‌کند و اجازه نمی‌دهد این دروغ بزرگ در حضورش تکرار شود، آن‌گاه سیاست‌مدار مسئول در پاسخ به معادن موجود در مناطق مختلف ایران، نگاه ملی را تقویت می‌کند و مخاطب خود را در هر جایگاه و موضعی، در برابر تمام ایرانیان می‌بیند و دراین‌صورت از بیان پاسخ به زبان محلی دوری می‌کند. در غیراین‌صورت این شیوه عمل، نقض آشکار شعار وفاق ملی است؛ چراکه سیاست‌مدار مسئول، بخش درخورتوجهی از ایرانیان را از فهمیدن گفتار خود حذف کرده است. واژگانی در تقابل با درهم‌تنیدگی ملتش را شنیده و استوار پاسخ نداده و آهنگ محلی‌گرایی را کوک کرده است.

صنف

پرونده یک خبرنگار در حال بررسی

امتداد: علی شریف‌زاده اردکانی، حقوق‌دان و وکیل دادگستری، در گفت‌وگویی، ضمن اشاره به وضعیت پرونده یکی از موکلان خبرنگار خود، اظهار کرد: موکل من حسن عباسی، مدیر سایت اشکان‌نیوز و خبرنگار سابق سایت تابناک است که در بندرعباس فعالیت می‌کند. در آن منطقه یک‌سری مطالبی را مطرح کرده که حدود ۱۷ شاکی به اتهام نشر اکاذیب در پرونده دارد. شکات این پرونده از نماینده مجلس گرفته تا استاندار، رئیس سازمان نظام پزشکی، اداره کل بهزیستی، اداره کل صنعت و معدن و شهرداری هستند. او سابقه بازداشت داشته و به قید وثیقه آزاد شده است. کلیت صحبت من این است که وقتی خبرنگاری، موضوعی را بارگذاری می‌کند، موضوعیتی که دراین‌باره وجود دارد، محل آن سایت یا خبرگزاری است. به عبارت دیگر، وقتی مطلبی در یک روزنامه یا پایگاه خبری منتشر شده و به فرض، حتی اگر غلط بوده، باید به این مسئله در تهران رسیدگی شود، نه در بندرعباس. از آنجا هم که خبرنگار یک هویت مشخص دارد، باید به پرونده او در دادسرای فرهنگ و رسانه رسیدگی شود. ضمن اینکه در این پرونده، اگر خبرنگاری موضوعی را مطرح کند که فلان مسئول یا فلان نهاد، مرتکب فلان فعل شده، واقعا دادسرا و مقام قضائی به‌عنوان مقام رسیدگی‌کننده به پرونده نباید استعلامی برای راستی‌آزمایی آن بگیرد؟ اصلا شاید خبرنگار درست گفته و اساسا موکل من به نکات درستی اشاره کرده و اشتباه‌بودن آن از کجا محرز شده است؟

موکل من، بارها لایحه داده که مقام قضائی استعلام بگیرد که اگر کذبی در موارد مطرح‌شده وجود داشت، آن زمان اقدام به صدور وثیقه یا بازداشت صورت بگیرد، ضمن اینکه ایشان پدر بیماری دارد و از این ناحیه با مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کند. فعلا هیچ استعلامی در پرونده اخذ نشده و ما درخواست اقدام برای این مسئله را از مقام قضائی داریم. تمام سخن ما این بوده که مرجع صالح رسیدگی به پرونده موکلم، نه دادسرای بندرعباس بلکه دادسرای فرهنگ و رسانه است، چراکه اساسا اتهام مطرح‌شده در پرونده، یک اتهام به دلیل فعالیت رسانه‌ای است. علاوه‌براین از آنجا که آدرس سایتی که موکل من مسئولیت آن را برعهده دارد -اشکان‌نیوز- در تهران است، دادسرای فرهنگ و رسانه تهران باید به پرونده رسیدگی کند. در همین زمینه نیز البته لایحه‌ای به مقام قضائی تقدیم کردیم که امیدواریم توجهی به آن شود.

پیشخوان

حضور جمهوریت

شماره جدید فصلنامه حضور با موضوع محوری «جمهوریت» منتشر شد. در این شماره به تبارشناسی نظری و تاریخی مفهوم جمهوریت پرداخته شده و نوشتارهایی از «سیدمصطفی محقق‌داماد»، «محسن آرمین»، «منصوره شایسته»، «عباس عمادی» و غیره در آن دیده می‌شود. مقاله تحلیل نظریه مشروعیت قدرت براساس آزادی نقد عمومی، رهیافتی بر اندیشه سیاسی فارابی و متفکران شیعی، گفت‌وگو با صادق حقیقت با عنوان «در فهم جمهوریت» و مفهوم‌شناسی رعیت و بیعت و رضایت با تأکید بر تحولات سیاسی دو قرن اول، از مقالاتی است که استادان و صاحب‌نظران درباره مفهوم جمهوریت در این فصلنامه ارائه داده‌اند. این فصلنامه زیر نظر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، بخش‌هایی را نیز به تبیین نظرات و افکار ایشان اختصاص داده است. پرونده‌ای با عنوان «امام خمینی و ابداع نظریه جمهوریت» تهیه شده است که در آن مقالاتی همچون جمهوریت برپایه اخلاق؛ سیره نظری و عملی امام خمینی نوشته محمد رجائی‌نژاد، بازخوانی نقش مردم در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) از عباس عمادی، و امام و جمهوریت در آن قرار دارد. در پرونده دیگر این فصلنامه با عنوان تفسیر جمهوریت از دیدگاه شاگردان امام خمینی، افکار و عقاید شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید صدر و هاشمی‌رفسنجانی مورد بررسی قرار گرفته است. این فصلنامه زیر نظر شورای سیاست‌گذاری با حضور سیدعلی میرموسوی، غلامرضا ظریفیان، غلامرضا امیرخانی، امین عارف‌نیا و خسرو طالب‌زاده در ۳۲۰ صفحه منتشر شده است.